

این روزها بیشتر شنونده آثار شما در رادیو نمایش هستیم، علت حضور کمرنگ‌تان در تلویزیون چیست؟

شاید دلایلش این باشد که به یکجا تعلق ندارم. همانطور که مطلع هستید از سال ۶۰ وارد عرصه تئاتر شده و پس از آن سال ۶۸ به خدمت رادیو درآمدم و حرفه اصلی‌ام فعالیت در رادیو است. یعنی علاوه بر اینکه کارمند رادیو هستم، در عرصه تئاتر، تلویزیون و سینما هم فعالیت می‌کنم به همین خاطر شاید گاهی اینطور به نظر بیاید که کم‌کار شده‌ام. در صورتی که واقعا کم‌کار نیستم. مثلاً یکی از آخرین کارهایم به نام «زمانه» سه سال پیش پخش شد که کارگردانش آقای حسن فتحی بود. اما ترجیحاً دوست دارم کاری انجام بدهم که خوب باشد چون هر کاری ارزش آن را ندارد که در آن حضور داشته باشم؛ چون معتقدم فقط پر کار بودن دلیل خوب بودن کار هنرمند نیست. لذا سعی می‌کنم یک مقدار گزیده‌کار تر باشم و در کل هیچ وقت بیکار نیومدم و یک سال و نیم گذشته هم درگیر سریال شهرزاد بودم. یک زمانی هست که هنرمند جوان‌تر است و شرایط کاری و توانش به گونه‌ای است که علاقه‌مند است بیشتر کار کند. ولی شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که فرد تصمیم می‌گیرد گزیده‌تر کار کند تا اینکه پر کار ولی آثارش بی‌کیفیت باشد. امکان دارد من هم بپذیرم در سال یک سریال کار کنم ولی سعی می‌کنم همان یک سریال هم متن و کارگردان خوبی داشته باشد. چون همواره برایم مهم بوده که با کارم در ذهن مردم بمانم هر چند به نظر کم‌کار بیایم. همچنین هیچ وقت به کیلویی بودن نقش و اینکه از اول تا آخر کار به عنوان نقش اصلی حضور داشته باشم، اهمیت نداده‌ام و همیشه برایم تأثیر گذاری نقش اهمیت بیشتری داشته، همین‌ها هم هست که در ذهن مخاطب می‌ماند.

البته شما جزو بازیگرانی هستید که از ابتدای فعالیتتان تا به امروز در سریال‌های ماندگاری حضور داشتید که مخاطب با آن خوب ارتباط برقرار کرده است. با این وصف عدم استقبال جامعه از آثار تولیدی چند سال اخیر سینما و سیما را در چه می‌دانید و این مسئله چقدر به نوبسند و کارگردان و کمی بودجه از تباط دارد.

فکر می‌کنم همه این مسائل دست به دست هم داده‌اند تا چنین شرایطی پیش بیاید. امروزه متن‌ها به دلیل انگشت شمار بودن نویسنده‌های خوبمان بسیار ضعیف هستند و به واقع حرفی برای گفتن ندارند. شما ببینید در گذشته چه سریال‌هایی ساخته می‌شد همین سریال «تولد ی دیگر» که از شبکه آی فیلم در حال پخش است چه زمانی ساخته شده، سال ۱۷۷اما هنوز که هنوزه مردم در ذهنشان مانده و مخاطب دارد یا سریال‌هایی چون «مزد ترس» و «همسایه‌ها» یا «در چشم باد» کار آقای جوزانی و…

با این تفصیل فضای کلی سینما و تلویزیون را چگونه ببینید؟

یک مدتی تب و عوت از چهره‌های زیبای نابازیگر در پروژه‌های سینما و تلویزیون حاکم و سپردن نقش به این بازیگران جوان مد شده بود ولی چند سالی است که این تب فروکش کرده است. با وجود اینکه عموال دارم سینما گیشه است و ولی توجه به گیشه عامل ورود چنین افراد غیر حرفه‌ای به سینما شد. حال به هر دلیلی که این افراد آمده بودند و علتش را نمی‌دانم! اما همین مسئله سبب شد آنها که بازیگران حرفه‌ای بودند کم‌کار شوند که همین مسئله عواقب بسیاری را به دنبال داشت. در این میان حتی پانده‌بازی‌هایی هم بین تهیه‌کنندگان و این نابازیگرها حاکم بود به گونه‌ای که برخی شان حاضر بودند کمتر پول بگیرند و حتی پول دستی هم بدهند که در پروژه‌ای بازی کنند و به قولی در دوره‌ای شاهد پدیده اسپانسر بازیگر بودیم. همین مسئله باعث شده بود که من نوعی که استحقاق بازیگری دارم با سال‌ها سابقه فعالیت حرفه‌ای در این عرصه مدت‌ها در خانه بدون پیشنهاد کار جدیدی بمانم. ولی الان یکی، دو سالی است که (البته باز هم کارگردانان فهیم‌اندند بازیگری حرفه‌ای است) افرادی که اصلاً و آنقدر سطحی نیست. یک زمانی دروازه‌های دنیای بازیگری باز شد و همه وارد این حرفه شدند. در همین فامیل خودم هر کسی را می‌دیدم می‌گفت که بازیگر شده و از حال بازی در پروژهای است! افرادی که اصلاً تحصیلات و کارشان هنرپیشگی نبوده وقتی ورود به این عرصه که معتقدم مقدس است، آنقدر سهل‌الوصول باشد تأسف‌برانگیز است. ولی گویا چندی است یک اتفاقی افتاده که کارگردان‌های آورده‌اند به انتخاب بازیگران حرفه‌ای، احتمالاً در ایسن مدت فهیم‌دهاند توجه صرف به گیشه مقطعی است و مردم در پی آثاری هستند که با بازیگرانشان سال‌های سال زندگی کرده باشند.

می‌توان گفت استفاده از نابازیگران زیبا سبب عدم تمایل جامعه به آثار تولیدی سینما و تلویزیون شده است؟

بله، شما تصور کنید یک خانواده ۴–۵ نفره بخواهد سینما برود بالاخره با خرج ایاب و ذهاب و خورد و خوراک تمایل دارد به تماشای فیلمی بنشینند که از بازی هنرپیشه‌هایش خاطره داشته باشد ولی در عمل به تماشای فیلمی می‌نشینند که بازیگرانش همه نابازیگر و شکر خدا شبیه به هم! و با بازی‌هایی سطحی هستند. خب مخاطب دزده می‌شود، از طرفی چه خوراکی باید به این بیننده‌ها داده شود تا دوباره بتوان آنها را جذب کرد. اینکه یک اتفاقی می‌افتد و تماشاگر از آثار تولیدی داخل و می‌خورد، مسئله ساده‌ای نیست. باید زحمت مضاعف کشید تا بتوان مخاطبان را به تماشای سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی ترغیب کرد. شما تصور کنید از زمانی که ماوارا‌ها با پخش سریال‌های مبتذل آغاز به کار کرده‌اند چه تأثیری بر مخاطبان خود داشته‌اند، اصلاً بنیان خانواده‌ها از هم پاشیده شده و اتفاقاتی در خانواده‌ها می‌افتد که ابدانه



ماهورها‌ها با پخش سریال‌های مبتذل بنیان خانواده‌ها را از هم پاشیده‌اند و اتفاقاتی در خانواده‌ها می‌افتد که ابدانه با فرهنگ ما جور درمی‌آیند نه به محیط زندگی مان و به کلی ضوابط و روابط بین خانواده‌ها را آشفته کرده است. اینگونه برنامه‌ها علاوه بر تأثیر گذاری بر زندگی مخاطبان سبب اتلاف وقتشان هم می‌شود.

از طرفی هم مردم برای گذران اوقات فراغتشان ناگزیرند به چنین برنامه‌هایی رو بیاورند. اگر تلویزیون خوراک خوبی به مخاطبانش بدهد، مطمئناً آنها هم پیگیر سریال‌های ماهوار‌های نخواهند بود

ما هم مثل دیگر مردم جامعه در کنار خانواده‌هایمان زندگی می‌کنیم و من نوعی اگر بخواهم بازیگر خوبی باشم باید ابتدا خوب

زندگی کنم تا خانواده‌ام حفظ شود. در این صورت است که می‌توانم کار ارائه دهم. مطمئناً اگر زندگی آشفته‌ای داشته باشم این اشتنگی روی کارم هم تأثیر می‌گذارد و اجازه نمی‌دهد کارم را به خوبی انجام دهم. یکی از مشوقان من در کارهایم همسرم است و به واقع نظراتش در کارم تأثیر گذار است. باور بفرمایید خانواده‌ام در تمام این سال‌ها در موفقیت‌های سهیم بوده و مرا تحمل کرده‌اند. همسرم محسن پوربهرامی با وجود تمام سختی‌هایی که این حرفه دارد، ۳۰ سال است که در این راه همپایم جلو آمده و همواره پشتیبان و حامی‌ام بوده که جا دارد همین جا تشکر ویژه‌ای از وی داشته باشم. واقعا در این راه هم زندگی خودم را گذاشتم‌ام و هم زندگی اطرافیانم را و الان توقع دارم که باز تاب این سالم زندگی کردن بر بیایم. نمی‌خواهم به خاطر برخی شایعات شاهد این باشم که روزی بگویم عجب اشتباهی کردم این حرفه را انتخاب کردم. چون در این ۲۰ سال بازیگری‌ام آنقدر سالم بوده‌ام که در هیچ‌کجا هیچ گونه مسئله‌ای نسبت به من نباشد، چراکه از روز اول زندگی‌ام با یک توافقی رسیدم‌ام که محیط خانه و خانواده با محیط کار دو محیط جدای از هم هستند. از طرفی تا کنون در هیچ محفلی شرکت نکرده‌ام حتی از حضور در جشن‌ها هم برهیز می‌کنم. به خاطر آنکه همیشه زده‌ی زندگی خانوادگی‌ام برایم در اولویت بوده است. می‌بینید که ما جامعه هنری ما طلاق مد شده به همین خاطر علاوه بر اینکه کارم بسیار برایم مهم است زندگی خانوادگی‌ام نیز برایم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چون زندگی سالمی دارم و نمی‌خواهم به خاطر کارم آن‌را از دست بدهم.

چه تفاوت‌هایی میان بازیگران نسل خود و امروز مشاهده می‌کنید؟
اولین تفاوت ه‌نسلان من با نسل امروز احترامی است که ما به پیشکسوت خود می‌گذاریم. به خاطر دارم این مسئله اولین چیزی بود که به ما آموزش داده می‌شد، واقعا هنوز هم که هنوزه احترام به پیشکسوت در میان ما بچه‌های دهه ۶۰ قابل مشاهده است. اما هر چه جلوتر می‌رویم واقعا این مسئله بی‌ارزش شده و کسی به آن اهمیت نمی‌دهد. از طرفی تصور می‌کنیم این بوده که مسیرم را درست طی کنیم، چون قلباً این حرفه و مردم را دوست دارم و تا جایی برای که بتوانم برای همین مردمی که می‌بینم برای هنرمندانشان احترام قائل هستند، جان می‌گذارم و وقتی به خیابان می‌روم و می‌بینم اغلب مردم از حضور نابازیگرانی که حتی نمی‌توانند درست کلمات را بیان کرده، بخندند یا گریه کنند در سینما و تلویزیون شاکمی هستند، ناراحت می‌شوم. البته نمی‌گویم فقط ما در این حرفه فعالیت کنیم

وجود یکسری ارتباطات شخصی و اجتناب‌ناپذیر است و هر کسی در زندگی شخصی‌اش مسئول تصمیماتی است که می‌گیرد، اما در جایی که این ارتباطات به حرفه فرد که به عقیده من بسیار مقدس است، ورود پیدا می‌کند، باید آن فرد در عملکردش دقت بیشتری به خرج دهد. خود من ۳۰ سال در این عرصه فعالیت کرده‌ام اما تلاش این بوده که مسیرم را درست طی کنم، چون قلباً این حرفه و مردم را دوست دارم و تا جایی برای که بتوانم برای همین مردمی که می‌بینم برای هنرمندانشان احترام قائل هستند، جان می‌گذارم و وقتی به خیابان می‌روم و می‌بینم اغلب مردم از حضور نابازیگرانی که حتی نمی‌توانند درست کلمات را بیان کرده، بخندند یا گریه کنند در سینما و تلویزیون شاکمی هستند، ناراحت می‌شوم. البته نمی‌گویم فقط ما در این حرفه فعالیت کنیم

دقیقا، به یاد دارم در خانواده هفت نفری مان برای غذا خوردن با هم زمان می‌گذاشتیم ولی الان هر کسی را می‌بینی موقعی که در حال خوردن غذاست یک موبایل دستش است یا انگلی غذاشان را می‌برند در اتاق جداگانه می‌خورند. ببینید همین مسئله ساده چطور نظام خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اجازه نمی‌دهد اعضا کنار هم جمع شوند. در نتیجه علاقه‌شان نسبت به یکدیگر و مشارکتشان در کار‌ها از بین می‌رود اما امیدواریم که شرایط درست شود.



گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۷۹

و هنرمند جدید وارد این حرفه نشود، چون معتقدم هیچ کس ماندنی نیست و من هم خواهم رفت و دیگری جایم خواهد آمد ولی اگر جای کسی آمده‌ام مطمئناً سعی کرده‌ام بهتر از فرد قبلی خودم باشم. راه باید برای جوانان باز باشد اما برای جوانان مستعد که کوشش کرده و در این راه زحمت می‌کشند، نه آنهایی که تصور می‌کنند بازیگری حرفه ساده‌ای است که شب بخوایند صبح بازیگر خواهند شد. همه ما در این حرفه زحمت کشیده‌ایم و دوست داریم افرادی وارد این راه شوند که کوشا بوده و بدانند برای چه وارد این حرفه شده‌اند و در کل تکلیفشان با خودشان مشخص باشد که چرا این حرفه را انتخاب کرده‌اند، به قولی نیایند که یک شبه بروند. در این مسیر قدم‌هایشان را محکم و آگاهانه برانند. همیشه به همه جوانان به خصوص پسریم بپوریا بپور بهرامی که در قبرس رشته سینما می‌خواند توصیه می‌کنم برای رسیدن به هدفشان تلاش کرده و زحمت بکشند چرا که بدون زحمت هیچ چیز میسر نمی‌شود. البته پوریا تا کنون در سریال‌های «در چشم باد»، «سرزمین کهن»، «اولین باران پاییزی» و… بازی کرده و تا دو ساه دیگر هم فارغ‌التحصیل می‌شود.

با توجه به اینکه از جمله بازیگران بی‌حاشیه هستید که حفظ کانون خانواده همیشه برایتان از اهمیت بسیاری برخوردار بوده، بفرمایید تأثیر خانواده در موفقیت یک هنرمند چه میزان است؟

ما هم مثل دیگر مردم جامعه در کنار خانواده‌هایمان زندگی می‌کنیم و من نوعی اگر بخواهم بازیگر خوبی باشم باید ابتدا خوب زندگی کنم تا خانواده‌ام حفظ شود. در این صورت است که می‌توانم کار ارائه دهم. مطمئناً اگر زندگی آشفته‌ای داشته باشم این اشتنگی روی کارم هم تأثیر می‌گذارد و اجازه نمی‌دهد کارم را به خوبی انجام دهم. یکی از مشوقان من در کارهایم همسرم است و به واقع نظراتش در کارم تأثیر گذار است. باور بفرمایید خانواده‌ام در تمام این سال‌ها در موفقیت‌های سهیم بوده و مرا تحمل کرده‌اند. همسرم محسن پوربهرامی با وجود تمام سختی‌هایی که این حرفه دارد، ۳۰ سال است که در این راه همپایم جلو آمده و همواره پشتیبان و حامی‌ام بوده که جا دارد همین جا تشکر ویژه‌ای از وی داشته باشم. واقعا در این راه هم زندگی خودم را گذاشتم‌ام و هم زندگی اطرافیانم را و الان توقع دارم که باز تاب این سالم زندگی کردن بر بیایم. نمی‌خواهم به خاطر برخی شایعات شاهد این باشم که روزی بگویم عجب اشتباهی کردم این حرفه را انتخاب کردم. چون در این ۲۰ سال بازیگری‌ام آنقدر سالم بوده‌ام که در هیچ‌کجا هیچ گونه مسئله‌ای نسبت به من نباشد، چراکه از روز اول زندگی‌ام با یک توافقی رسیدم‌ام که محیط خانه و خانواده با محیط کار دو محیط جدای از هم هستند. از طرفی تا کنون در هیچ محفلی شرکت نکرده‌ام حتی از حضور در جشن‌ها هم برهیز می‌کنم. به خاطر آنکه همیشه زده‌ی زندگی خانوادگی‌ام برایم در اولویت بوده است. می‌بینید که ما جامعه هنری ما طلاق مد شده به همین خاطر علاوه بر اینکه کارم بسیار برایم مهم است زندگی خانوادگی‌ام نیز برایم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چون زندگی سالمی دارم و نمی‌خواهم به خاطر کارم آن‌را از دست بدهم.

در این تحولی که در سبک زندگی مردم جامعه امیدوارید ایجاد شود، چقدر نقش سینما و تلویزیون مؤثر است؟
نقش سینما و تلویزیون در تغییر سبک زندگی مردم دقیقاً مصدر صد است و نمی‌توان منکرش بود. رسانه رسالتی دارد که اگر درست به انجام رسد، واقعا یک جامعه سالم به وجود خواهد آمد و در غیر آن صورت آن جامعه مریض خواهد شد.

اشاره کردید به حضور نابازیگران در سینما و تلویزیون، چه اندازه فساد بر فضای سینمای ما حاکم است که از طریق این قبیل افراد وارد جامعه هنری شده است؟

وجود یکسری ارتباطات شخصی و اجتناب‌ناپذیر است و هر کسی در زندگی شخصی‌اش مسئول تصمیماتی است که می‌گیرد، اما در جایی که این ارتباطات به حرفه فرد که به عقیده من بسیار مقدس است، ورود پیدا می‌کند، باید آن فرد در عملکردش دقت بیشتری به خرج دهد. خود من ۳۰ سال در این عرصه فعالیت کرده‌ام اما تلاش این بوده که مسیرم را درست طی کنم، چون قلباً این حرفه و مردم را دوست دارم و تا جایی برای که بتوانم برای همین مردمی که می‌بینم برای هنرمندانشان احترام قائل هستند، جان می‌گذارم و وقتی به خیابان می‌روم و می‌بینم اغلب مردم از حضور نابازیگرانی که حتی نمی‌توانند درست کلمات را بیان کرده، بخندند یا گریه کنند در سینما و تلویزیون شاکمی هستند، ناراحت می‌شوم. البته نمی‌گویم فقط ما در این حرفه فعالیت کنیم

وجود یکسری ارتباطات شخصی و اجتناب‌ناپذیر است و هر کسی در زندگی شخصی‌اش مسئول تصمیماتی است که می‌گیرد، اما در جایی که این ارتباطات به حرفه فرد که به عقیده من بسیار مقدس است، ورود پیدا می‌کند، باید آن فرد در عملکردش دقت بیشتری به خرج دهد. خود من ۳۰ سال در این عرصه فعالیت کرده‌ام اما تلاش این بوده که مسیرم را درست طی کنم، چون قلباً این حرفه و مردم را دوست دارم و تا جایی برای که بتوانم برای همین مردمی که می‌بینم برای هنرمندانشان احترام قائل هستند، جان می‌گذارم و وقتی به خیابان می‌روم و می‌بینم اغلب مردم از حضور نابازیگرانی که حتی نمی‌توانند درست کلمات را بیان کرده، بخندند یا گریه کنند در سینما و تلویزیون شاکمی هستند، ناراحت می‌شوم. البته نمی‌گویم فقط ما در این حرفه فعالیت کنیم

که به آنها ارائه می‌شود، بالا ببرند و یک مقدار بیشتر کتاب بخوانند و بدانند که دوروبرشان چه اتفاقی می‌افتد و آنها چه انتظاری از رسانه‌های تصویری خود دارند. اینکه فقط بنشینند و یک سریال ببینند و کمی بخندند، ارزشی ندارد. ما باید مردم را عادت بدهیم به اینکه حداقل در مورد سریالی که می‌بینند تأمل کنند، نه اینکه هدفشان از دیدن یک سریال فقط گذران اوقات فراغتشان و رفع خستگی باشد. مخاطب باید به سطحی برسد که اگر کار طنزی هم تماشا می‌کند واقعا طنز فاخر و سالم باشد، نه اینکه هر اثر هجو، ادا و اطواری را به عنوان طنز تماشا کند. به همین خاطر فکر می‌کنم اگر سطح توقع مردم از آثار تولیدی بالا باشد، من هنرمند می‌فهمم که با مخاطبانی سر و کار دارم که خوراک خوب می‌خواهند. مطمئناً کارگردان هم این نکته را در نظر می‌گیرد و مثل یک زنجیره همه به سمت خلق آثار ارزشی‌تر پیش می‌روند. از طرفی یک مقدار هم مسائل مالی که اخیراً پیش آمده سبب شده برخی‌ها (تهیه‌کننده‌ها) ترجیح‌شان این باشد که آثار ارزان‌تری ارائه دهند و به قولی آب به آن ببندند. در نتیجه می‌بینیم در این آثار از بازیگرانی که دستمزد کمتری می‌گیرند، استفاده می‌شود و این به کار لطمه می‌زند. همه باید در درست پیش رفتن فضای کار تلاش کنیم و نمی‌توان گفت نقایص موجود تقصیر چه کسی است. تقصیر سازمان است یا کارگردان و… همه باید کمک کنیم تا این فضا خارج شویم و از نظر تولید آثار پیشرفت کنیم.

با توجه به فعالیت‌تان در رادیو نمایش بفرمایید چه نقایصی در تولیدات نمایشی این شبکه نسبت به آثار گذشته‌اش به وجود آمده است؟

چند سال پیش آثار بهتری در رادیو نمایش ضبط می‌شد چراکه چند سال پیش بر اساس یکسری رمان‌های خیلی خوب نمایش کار می‌کردیم. اما الان به خاطر تکرار زیاد و به خدمت گرفتن نویسنده‌های ارزان قیمت آثار تولیدی این شبکه افت پیدا کرده و ما مجبور هستیم آثار ضعیف هم ضبط کنیم. چون نویسنده‌های خوب با دستمزد بالا حاضر نمی‌شوند ارزان کار کنند. گاهی اوقات واقعا متأسف می‌شوم که بعضی نمایش‌ها آنقدر ضعیف هستند که دوست ندارم در آنها بازی کنم. شما وقتی یک متن خوب می‌خوانی (حال تفاوتی ندارد فیلمنامه باشد یا متن نمایش



یکی از مشقواقتم در کارها همسرم محسن پور بهرامی است که به واقع نظر اتش در کارم تأثیر گذار بوده و با وجود تمام سختی‌هایی که این حرفه دارد، ۳۰ سال است که در این راه همپایم جلو آمده و همواره پشتیبان و حامی‌ام بوده و در تمام این سال‌ها در موفقیت‌هایم سهیم است

(رادیو) یک کار خاصی هم ارائه می‌دهی چون برای آن متن قابل تأمل وقت گذاشته‌ای و باید طبق آن عمل کنی و غیر از متن نمی‌توانی چیزی به دیالوگ اضافه کنی. در نتیجه هر چه دیالوگ و کارگردان قوی‌تر باشند، مسلماً کار من بازیگر هم بهتر می‌شود.

یکی از پدیده‌هایی که در فضای سینما و تلویزیون ما دیده می‌شود، حضور پررنگ فرزندان بازیگران در پروژه‌های سینمایی است. حضور پسر شما هم در آثار تلویزیونی به واسطه حضور شماست؟

نه، حتی زمانی که پوریا بازی در سریال «در چشم باد» انتخاب شد من هنوز برای بازی در این پروژه انتخاب نشده بودم و بعد از یک سال برای بازی در این سریال از من دعوت به عمل آمد. البته بارها هم‌راهم به رادیو آمدم بود ولی این علاقه بدون نقش من در او شکل گرفت. چون از ابتدا تمایل چندانی نداشتم فرزندم وارد این حرفه بشود و علاقه‌مند بودم در رشته دیگری به تحصیل بپردازم اما در مقابل همیشه پسرم می‌گفت چرا دوست نداری من در رشته‌ای که خودت در آن فعال هستی، فعالیت داشته باشم.

علت مخالفت شما چه بود؟

تصور می‌کردم این علاقه تبی است که به خاطر وجود من در این حرفه شکل گرفته است ولی بعدها دیدم نمی‌توانم جلوی علاقه‌اش به سینما را بگیرم.

شما در بسیاری از نمایش‌های دفاع مقدس بازی کرده‌اید از علاقه‌تان برای حضور در چنین نقش‌هایی بفرمایید.

من کم اینگونه نقش‌ها را بازی نکرده‌ام و وقتی هم که در چنین آثاری بازی کرده‌ام، سعی داشته‌ام با اعتقاد کامل آن نقش‌ها را ایفا کنم. یعنی اگر بازیگر نقش مادری بودم واقعا تلاش کرده‌ام خودم را به جای آن مادر بگذارم. در کل هر نقشی که به من پیشنهاد شده حال فرقی ندارد دفاع مقدسی باشد یا غیره بدون هیچ‌گونه اغراقی بازی کرده‌ام چون به باور داشته‌ام.